



گرما به‌های دارالسعاده‌ی خمسه به عنوان یک محصول گردشگری در صنعت گردشگری میراثی (نمونه موردی گرما به‌ی سالار سلطانیه)

ابوالفضل افزلی^۱

چکیده

امروزه جهت گسترش "گردشگری میراثی"، از دارایی‌های فرهنگی و تاریخی و به‌ویژه عناصر معماری، محافظت می‌گردد. دارایی‌های فرهنگی، از جمله عوامل مهم تشکیل دهنده‌ی محصول گردشگری یک منطقه بوده و بناهای سنتی نظیر گرما به‌ها با ویژگی منحصر به فرد معماری و عملکردی خود، در این مقوله بسیار مهم می‌باشند. همچنین این محصولات فرهنگی دارای پتانسیل بالقوه بالایی برای ایجاد تعاملات روزافزون در جامعه محلی هستند. هدف از این پژوهش بررسی استفاده از این بناهای تاریخی به عنوان محلی برای ایجاد تعاملات اجتماعی در میان افراد محلی، بهبود اقتصاد گردشگری، بهبود ساختار اجتماعی از طریق معادلات فرهنگی شکل گرفته میان مردم محلی و گردشگران است. برای رسیدن به این هدف و جهت افزایش کیفیت بازدید گردشگران میراث جهانی ارگ سلطانیه و مدت زمان حضور آنان، بازکاربری گرما به‌ی تاریخی سالار مورد توجه قرار گرفته است. در پژوهش پیش‌رو ساختار گرما به‌ی سنتی سالار سلطانیه،

۱. کارشناسی ارشد مهندسی معماری - دانشگاه هنر اسلامی تبریز a.afzali@tabriziau.ac.ir



روش‌های احیا و بازکاربری و همچنین نقش و مشارکت مردم محلی در احیای آن، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تحقیق میدانی، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه از گردشگران مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا تفسیر گردیده و در نتیجه تحقیقات مشخص گردید گرمابه سالار از پتانسیل بالایی برخوردار می‌باشد، که این پتانسیل به خوبی ارزیابی نگردیده و کاربری مناسبی برای آن تعبیه نگردیده است. در پایان توصیه می‌شود که به منظور استفاده صحیح از پتانسیل این گرمابه‌ی تاریخی با کارکردهای فرهنگی و اقتصادی مبتنی بر لازمه‌های گردشگری خلاق و گردشگری میراثی از جمله گرمابه‌ی قابل استفاده برای گردشگران، موزه و سالن نمایشگاهی، کتابخانه و سالن مطالعه، فروشگاه و کارگاه تولید صنایع دستی، نوشینه‌سرا و غیره با مشارکت فعال مردم محلی دوباره احیا و قابل استفاده گردد.

واژه‌های کلیدی:

گردشگری میراثی، میراث فرهنگی، محصول گردشگری، گرمابه سالار، سلطانیه

مقدمه

گردشگری در ردیف موفق‌ترین صنایع جهان محسوب می‌شود، زیرا نتایج و دستاوردهای قابل توجهی مانند کسب درآمد سرشار ارزی، توسعه‌ی روابط علمی- فرهنگی، ایجاد اشتغال به صورت مستقیم و غیرمستقیم، نمایش ثبات و امنیت در کشورها و توسعه‌ی آن‌ها را به دنبال دارد. امروزه، غالب کشورها به منظور گسترش سهم بازار خود در صنعت گردشگری و افزایش درآمد حاصل از آن، به تنوع محصولات ارائه شده در حوزه‌ی گردشگری اهمیت می‌دهند^[۱]. در سال‌های اخیر مشاهده شده است که تقاضا برای مشاهده‌ی عناصر فرهنگی (گردشگری میراثی^۱ و گردشگری فرهنگی) در کنار سه‌گانه‌ی گردشگری سنتی موسوم به "دریا، آفتاب و ماسه"^۲ در حال افزایش می‌باشد. در این راستا به سبب تغییر در ذائقه‌های گردشگران، متنوع‌سازی محصولات ارائه شده در صنعت گردشگری به عنوان یک سیاست موثر توسعه، تبدیل به یک ضرورت گردیده است. در این زمینه، گرمابه‌های ایرانی به عنوان یک محصول گردشگری متفاوت و منحصربه‌فرد با ویژگی‌های

۱. (Heritage Tourism) نوعی گردشگری سازمان یافته مبتنی بر بازدید از میراث فرهنگی و طبیعی یا هر دو در یک منطقه

2. Sea Sun Sand



معماری و آداب و رسوم خاص خود، عنصری مهم جهت ارائه به صنعت گردشگری به حساب می‌آیند. افزایش سفر به نقاط جذاب برای گذراندن اوقات فراغت باعث تأسیس امکانات ویژه‌ای در مناطق گردشگری و اشتغال مردم محلی می‌گردد [۲]. مقاصد گردشگری برای افزایش سهم خود در بازار بین‌المللی گردشگری و در یک فضای رقابتی جهانی، باید دست به ابتکارات جدید زده و محصولات گردشگری خود را متنوع نمایند.

باید توجه داشت، در حالی که عناصر تاریخی و عوامل فرهنگی دلیل مهمی برای سفر افراد می‌باشند، گردشگری خلاق نیز یکی از انواع گردشگری پیرفردار در حال حاضر است، که می‌تواند در کنار گردشگری میراثی و فرهنگی بر توسعه‌ی مقصدها تأثیر بسزایی بگذارد. گردشگری را دروازه‌ی پیشرفت و نگهدارنده‌ی فرهنگ و ریشه‌های ملت‌ها به حساب می‌آورند. به عبارتی، گردشگران سفر می‌کنند تا جاذبه‌های فرهنگی شامل همه اشیاء و رویدادهایی که توسط انسان شکل گرفته است، را تجربه کنند. با این طرز نگاه از این نقطه به بعد می‌توان، گردشگری فرهنگی را نوعی از گردشگری دانست که در آن گردشگران با انگیزه‌های فرهنگی برای دیدن ارزش‌های سخت و انتزاعی فرهنگ‌های گذشته و معاصر و جهت کسب دانش و تجربه در باره‌ی آن‌ها اقدام به سفر می‌نمایند [۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸]. جاذبه‌های فرهنگی، رویدادها و اماکن تاریخی، یادمان‌ها، قلعه‌ها، کاخ‌ها، موزه‌ها و گالری‌ها، نمایشگاه‌های فرهنگی، مناظر فرهنگی و پارک‌ها، سایت‌های باستان‌شناسی، سبک معماری، هنر، فرهنگ مدرن، رویدادها، جشنواره‌ها، صنایع دستی، فرهنگ مردم محلی، مراکز مذهبی، مراسمات قومی و... از جمله دارایی‌هایی هستند که می‌توانند نمایانگر فرهنگ یک جامعه در کنار میراث صنعتی آن باشند [۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳]. تمامی این دارایی‌های فرهنگی و تاریخی که از نسلی به نسل دیگر به عنوان میراث منتقل می‌شوند، محصولات اساسی گردشگری فرهنگی را تشکیل می‌دهند که عامل اصلی انتخاب یک مقصد گردشگری توسط گردشگران می‌باشند. به عبارتی یک بنای تاریخی قبل از آنکه معرف صورت مسأله‌ی فنی-ساختمانی باشد، در برگیرنده‌ی یک سلسله روش‌های تفکر و کردار است که راه و رسم زندگی مردمان عصر خود را بازگو می‌کنند [۱۴].

افزایش علاقه به میراث فرهنگی در گردشگری فرهنگی، حفاظت و احیای سازه‌های معماری از قبیل مساجد، کاروانسراها، ارگ‌ها، کاخ‌ها، بازارها، گرما به‌ها، مقبره‌ها، قنات‌ها و... که بازتابی از تاریخ و گذشته‌ی یک منطقه است، را تسریع بخشیده و امکان استفاده و بازدید از آن‌ها به عنوان مهمترین عناصر فرهنگی و تاریخی ممکن گشته است. همچنین با روند محافظتی از بناهای



تاریخی و استفاده از آن‌ها برای رفع نیازهای امروزی، اقتصاد محلی شکوفاتر خواهد شد. در کشور ما نیز توجه به حفظ آثار فرهنگی و بناهای معماری از جمله گرمابه‌های اصیل ایرانی با معماری و فرهنگ بی‌نظیر خود در دستور کار قرار گرفته است. گرمابه‌های ساخته شده در دوران گذشته که به جهت دلایل بهداشتی و تعاملات فرهنگی، ساخته می‌شدند، امروزه به عنوان آثار تاریخی جهت جذب گردشگر میراثی و با تغییر کاربری و رفع نیازهای امروزی به جاذبه‌های گردشگری خلاق تبدیل گشته‌اند. در این چهارچوب توجه به گرمابه‌ی سالار در سلطانیه جهت بازکاربری دوباره لازم و ضروری خواهد بود، زیرا نبود برنامه‌ریزی، جذب نادرست و عدم هدایت سرمایه‌ها، نداشتن آگاهی و شناخت در زمینه‌ی راه‌های توسعه‌ی گردشگری که به معنای درجا زدن و از دست دادن منابع فراوان گردشگری است موجب شده صنعت گردشگری سلطانیه رشد چشم‌گیری نداشته باشد. بر طبق گزارش خبرگزاری سی.ان.سی سلطانیه با توجه به جایگاه منحصر به فرد آن در حوزه‌ی معماری، تاریخ و میراث فرهنگی، یکی از پنج مقصد گردشگری ناشناخته‌ی ایران به حساب می‌آید [۳].

به طور کلی هدف از این پژوهش، محافظت از معماری ارزشمند گرمابه‌ی سالار و باززنده سازی نقش آن جهت ایفای دوباره‌ی نقش تعامل دهنده فرهنگی و استفاده از آن برای اهداف گردشگری است. زیرا استفاده و حفاظت از این پتانسیل معماری در مقصد گردشگری سلطانیه سهم بسزایی در شناساندن فرهنگ و بهبود وضع اقتصادی مردم محلی خواهد داشت. همچنین مردم محلی و گردشگران، شأن و جایگاه گرمابه به عنوان میراثی فرهنگی و ارزشمند که نقشی بارز و پیوست در زندگی مردم داشته و دارد، را بیش از پیش خواهند شناخت، زیرا امروزه کارکردهای گوناگون گرمابه تقلیل پیدا کرده و گرمابه‌های عمومی به عنوان نگینی فاخر در فضاهای شهری، متروک و برچیده شدند.

روش مطالعه در درجه‌ی اول آشکار ساختن میراث فرهنگی شهر تاریخی سلطانیه، شناسایی ویژگی‌ها، محل قرارگیری گرمابه در سایت فعلی، ویژگی‌های عملکردی و پتانسیل‌های گرمابه و چگونگی به‌کارگرفتن این بنای تاریخی جهت ایجاد فعالیت‌های گردشگری و جلب توجه گردشگران و سپس ارائه پیشنهاداتی برای تجدید ساختار دوباره این بنا و ارائه‌ی کارکردهای مناسب برای رفع نیازهای گردشگران و مردم محلی خواهد بود. همچنین در ادامه با به‌کارگیری سیاست‌های صحیح و خلاقانه و سعی برای حفاظت از معماری و اصالت بنا با استفاده از کارکردهای مختلف موجود در گرمابه‌های ایرانی و ارائه‌ی آن جهت استفاده‌ی افراد محلی و گردشگران، پیش بینی



می‌شود این عملکرد "گردشگری میراثی" و فرهنگی منطقه را بیش‌تر از پیش رونق ببخشد.

۱- مبانی نظری

در مورد گرما به‌ی ایرانی، عناصر و اجزای تشکیل دهنده‌ی آن، نقش هریک از عناصر، معماری و عملکردهای اقلیمی و نحوه سازوکار آن در کتاب‌ها و مقالات متعددی گفت‌وگوهایی صورت گرفته و مطالبی ذکر گردیده است. بنابراین از بازپرداختن دوباره به آن‌ها در این جا صرف نظر گردیده و تنها به ذکر مطالبی در حوزه‌ی کلیات گرما به، محصول گردشگری، احیای پایدار گرما به‌های تاریخی جهت ارائه به صنعت گردشگری و عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها کفایت گردیده است.

نقش گرما به‌های سنتی در زندگی گذشته و امروزی: مساجد، بازارها و گرما به‌ها از مهمترین عناصر شهرهای ایرانی اسلامی می‌باشند. به طور معمول این سه عنصر در مرکزی‌ترین بخش شهرها و در تعاملی پویا و فعال با یکدیگر بوده‌اند. گرما به‌ها از آغاز در بین فضا‌های معماری شهری از اهمیت بسیاری برخوردار بوده‌اند و تقریباً یکی از مهمترین بنا‌های شهری پس از مسجد و مدرسه محسوب می‌شدند. عوامل متعددی در شکل‌گیری فضا‌ها و بخش‌های گرما به نقش داشتند که مهمترین آن را می‌توان تنظیم دما، رطوبت، مسیر دسترسی، قرارگیری در داخل یک بافت شهری، آب‌های روان و ایجاد راه‌های خروجی برای فاضلاب دانست [۱۵]. گرما به‌ها ابتدا به عنوان محل غسل کردن و وضو گرفتن ضمیمه‌ی مسجد گردید و افزون بر مسجد و بازار، یکی از شاخص‌های شهرهای اسلامی شد و در بسیاری موارد، محله‌های شهرها پیرامون آن تشکیل می‌گردید [۱۶]. از نام‌هایی همانند آبن، گرما به، تابخانه نیز برای نام بردن این‌گونه بنا‌ها استفاده می‌گردیده است [۱۷]. گرما به از دو واژه‌ی گرم و آبه تشکیل گردیده است، در اینجا منظور از آبه آب نیست. پس گرما به برابر آب‌گرم نمی‌باشد، بلکه آبه یا آوه یا آوج معادل جایگاه بوده و به جای ساختمان همانند سردابه (ساختمان سرد)، گورابه (گورستان یا مقبره) به‌کار گرفته می‌شده است. گرما به جایگاهی گرم چه در زمستان و چه در تابستان بوده است [۱۸]، گرما به‌های عمومی علاوه بر عملکرد تطهیر و نظافت، دارای جایگاه ویژه‌ای در آداب و رسوم، آئین‌ها، مناسک و سایر ابعاد فرهنگی اجتماعی جامعه‌ی ایران بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که این فضای مهم کاربردی در جامعه، نه فقط محلی برای استحمام، بلکه مکانی برای استمرار روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده است [۱۹]. کارکردهایی جهت درمان و معالجه، گذراندن اوقات فراغت، انجام امور مذهبی،



اطلاع رسانی، ریاضت و خلوت نشینی، آشنایی، ترویج پهلوانی و فتوت، دیدن دوستان و خویشان، برگزاری مراسم، پایگاه ارتباطات اجتماعی، آموزش، برخورد فرهنگ‌ها، آشتی، تعادل بخشی به ارتباطات خانوادگی، برگزاری جلسات، گفتگو، اصلاح سر و صورت، ازالهی موهای زائد بدن و... داشته است [۲۰]. مهم‌ترین دلایل پیدایش و رونق گرمابه‌ها عبارت بود از: تأکید آئین‌های مختلف بر پاکیزگی، طهارت و شستشو، عدم تمکن و توان مالی اکثر مردم برای ساخت گرمابه‌های خصوصی در خانه؛ درآمد و سود قابل توجه این بنا، ضرورت وجود گرمابه در نزدیکی اماکن مقدس [۲۱].

در گذشته وسعت شهر هم از نظر فضایی و هم از نظر جمعیت در تعیین تعداد گرمابه‌ها تأثیرگذار بوده است. از آنجایی که گرمابه‌ها نوعی خدمت‌رسانی عمومی بوده‌اند، تعداد و حجم آن‌ها متناسب با جمعیت موجود در شهر می‌بوده است. عامل دیگری که موجب ساخت و افزایش تعداد گرمابه‌ها بوده، عامل رفاه عمومی و ثروت است، زیرا برای تحقق این خدمت، شهروندان باید درآمدی مازاد از نیازهای اولیه خود داشته باشند. علاوه بر موارد ذکر شده، وجود و تعداد گرمابه‌ها در یک شهر نشان دهنده‌ی اهمیتی است که افراد ساکن در شهر به نظافت و بهداشت خود در گذشته می‌داده‌اند. آن‌ها از همچنین از نظر تعداد، وسعت و تزئینات نمایانگر قدرت و شکوهمندی دوران خود هستند. مشاهده می‌شود در دوره‌هایی که صلح و آرامش در جامعه برقرار بوده و رفاه و ثروت افزایش یافته است، ساخت و احیای این نوع از سازه‌های عام‌المنفعه افزایش یافته‌اند.

امروزه برخی از گرمابه‌های سنتی با تغییر ویژگی‌های عملکردی متناسب با نیازهای روز جامعه، بخشی از هویت خود را به عنوان سمبل معماری ایرانی-اسلامی در زندگی اجتماعی مردم حفظ کرده‌اند. اگرچه بسیاری از گرمابه‌ها تخریب شده و کارکردهای خود را از دست داده‌اند، اما هنوز گرمابه‌هایی وجود دارند که با مدیریت صحیح و کارآمد به خوبی حفظ شده و برای صنعت گردشگری مهم هستند. محافظت از این ساختارهای تاریخی به معنای محافظت از میراث فرهنگی ایرانی-اسلامی است و همچنین امروزه از نظر گردشگری نیز پتانسیل اقتصادی مهمی به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، جلب توجه به ساختارها و کارکردهای نوین گرمابه‌ها علاوه بر آن‌که بازسازی هویت فرهنگی جامعه بوده دارای مزایای اقتصادی و جذابیت‌های بسیاری نیز در حوزه‌ی گردشگری می‌باشند. افزایش گردشگری فرهنگی باعث افزایش علاقه به شهرها و آثار گذشته‌ی آن خواهد شد.

تغییر سبک زندگی مدرن، بسته به فرصت‌های ارائه شده توسط فناوری، به طور ناگزیری بر ساختار شهری و اجتماعی تأثیراتی خواهد داشت. این روند نه تنها باعث تسلیم شهرها و تحمیل



فرهنگ "جهانی‌شدن" در مناطق تازه توسعه یافته، همچنین منجر به نابودی سریع بافت‌های تاریخی موجود در آن نیز می‌شود. اما باید توجه داشت که حفظ ارتباط جمعی با گذشته و احساس محافظت از عناصر فرهنگی ملموس و ناملموس گذشته، خصوصاً در کشورهایی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی توسعه یافته‌اند، مسئله‌ای بسیار مهم و حائز اهمیت می‌باشد. هر ساختار و اثر معماری، از لحاظ زنده نگه داشتن حافظه‌ی فرهنگی و شناخت الگوهای رفتاری تأثیرگذار بر زندگی، بسیار ارزشمند است. از این منظر، شاید ساخت عینی آثار معماری گذشته در شهرهای نوین، نوعی بیهودگی و ناکارآمدی تلقی گردد، اما عدم حفظ آثار تاریخی و هویتی موجود در بافت‌های سنتی شهرها، کج سلیقگی بیشتری به حساب خواهد آمد.

مفهوم احیاء: احیاء اثر در مفهوم نظری به معنی ایجاد زمینه و بسترهای لازم برای بازگشت اثر به حیات اجتماعی معاصر و جلوگیری از انزوای آن می‌باشد. همچنین احیاء به معنی عام عبارت از مجموعه عملیات و اقداماتی است که اثر در نظام فرهنگی در سیطره آن قرار دارد؛ بدین معنی که نقش و جایگاه اثر از نو تعریف شده و با تکیه بر ارزش‌ها و ظرفیت‌های تاریخی-فرهنگی، جایگاه خود را در حیات جامعه باز می‌یابد. به عبارت دیگر، احیاء بازیابی اثری است که روزگاری به منظور رفع نیازی خاص پدید آمده اما جامعه به سبب تحولات اجتماعی-تاریخی از آن مرحله گذر کرده و از این رو رابطه‌ی اثر با جامعه گسسته است. احیاء پیوند جامعه با اثر است که برای رفع نیازهای امروز جامعه با استفاده از ظرفیت‌های متنوع اثر تاریخی-فرهنگی انجام می‌شود [۲۲]. پس از اعمال روش‌های متفاوت درمان، ضمانت ماندگاری بناهای تاریخی و فرهنگی در گروی اعطای عملکرد به آنان است. این عملکرد می‌بایست با نیازهای امروز جوامع بشری هماهنگ باشد [۲۳]. تجربه‌ی احیاء بناهای تاریخی در ایران، به جز در مواردی که در فرهنگ وقف و از طریق روش تبدیل به احسن از گذشته‌های دور وجود داشته، از ابعاد گسترده‌ای برخوردار نیست. با این وجود تعدادی از بناهای با ارزش تغییر عملکرد داده‌اند و خوشبختانه فرهنگ احیاء در حال رشد و شکوفایی است. به خصوص آن‌که قانون بودجه، اهرم‌های قانونی را در اختیار دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط قرار داده است. ولی در زمینه‌ی تشویق و ترغیب مردم محلی اقداماتی صورت نگرفته است. به طور نمونه در حوزه‌ی احیای گرمايه‌های تاریخی چند مورد ذکر می‌گردد: تبدیل به موزه‌ی مردم شناسی (گنجعلی خان کرمان، وکیل شیراز، چهارفصل اراک، علی‌قلی آقا اصفهان، مهدی قلی



بیک مشهد)، رستوران (حاج داداش زنجان، حاجی همدان، خان یزد)، چایخانه (مصباح کرج)، زورخانه (احمدآباد ززند، ششناو تفرش، پیر اردبیل)، گرمابه گردشگری (قاضی اصفهان)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (وزیر اصفهان)، مرکز صنایع دستی (نواب تهران، دردشت اصفهان)، خیابان! (خسروآقا اصفهان).

مفهوم محصول گردشگری: به موازات تحولات و تغییرات در مفهوم گردشگری، تعریف‌های متفاوتی از محصول گردشگری ارائه شده است. با این وجود هیچ تعریف مشترک، جامع و قابل قبولی توسط محققان در تعریف محصول گردشگری ارائه نگردیده است. همچنین، همانطور که در تعریف محصول گردشگری اجماع کامل و دقیقی وجود ندارد در مورد عواملی که محصول گردشگری را تشکیل می‌دهند، نیز این سردرگمی وجود دارد. اما به طور کلی می‌توان عوامل تشکیل دهنده‌ی محصول گردشگری را در سه بخش اصلی ارزیابی نمود: [۲۴]۱. زیبایی‌های طبیعی، دارایی‌های فرهنگی، ارزش‌های تاریخی و هنری یک کشور یا یک منطقه، ۲. مشاغل ارائه‌دهنده‌ی خدمات به گردشگران مانند: هتل‌ها، رستوران‌ها، مجموعه‌های ورزشی، آژانس‌های مسافرتی، ۳. شرکت‌های حمل و نقل که دسترسی گردشگران به مقصد گردشگری را فراهم می‌نمایند.

عدم وجود استاندارد خاصی در تعریف محصول گردشگری و تشکیل یافتن آن از کالاهای نامشهود، باعث می‌گردد، محصول گردشگری نسبت به سایر کالاها و خدمات از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار گردد. برخی از این ویژگی‌ها را به شرح زیر بررسی می‌کنیم: [۲۵]۱. محصولات گردشگری در مکانی که مصرف می‌گردند، تولید می‌شوند. گردشگرانی که مایل به دریافت این خدمات هستند باید به مقصدی که این کالاها و خدمات تولید می‌شوند، مسافرت نمایند، ۲. محصولات گردشگری قابل ذخیره نیستند، یعنی نمی‌توان آن‌ها را انبار نمود. محصولات گردشگری باید در همان روزی که تولید می‌شوند، به فروش برسند، ۳. محصولات گردشگری حاصل نیروی کار هستند، در واقع اساس آن‌ها را کاریدی تشکیل می‌دهد، ۴. استانداردسازی در محصولات گردشگری بسیار نادر بوده و مکانیزاسیون و اتوماسیون در تعداد محدودی از آن‌ها مشاهده می‌گردد، ۵. محصول گردشگری در مقایسه با سایر محصولات ابتدا فروخته شده و سپس تولید می‌شود، ۶. جایگزینی و تعویض محصول در آن از انعطاف بالایی برخوردار است، ۷. یک محصول گردشگری علاوه بر رقابت با سایر محصولات، در سطح بین‌المللی نیز باید توانایی رقابت را داشته باشد، ۸. ارزش‌گذاری ذهنی در محصولات گردشگری شدیدتر است،



۹. محصول گردشگری در فرم نهایی به دست مصرف کننده می‌رسد، نمی‌توان در مورد یک محصول گردشگری ناتمام یا نیمه فرآوری شده صحبت نمود.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

هدف از احیای گرما به‌های تاریخی احترام گذاشتن به روح بنا و حفظ اصالت تا حد ممکن و همچنین احیای فرهنگ گرما به‌همزمان با احیای کالبد آن است. معاصر سازی گرما به‌ی تاریخی علاوه بر اینکه باعث احیای فرهنگ و سنت‌های از دست رفته گذشته می‌گردد، امکان آشنا کردن و آشتی دادن نسل جوان با میراث گذشتگان را نیز فراهم می‌سازد. بازگرداندن گرما به‌ی سنتی به خاطرات جمعی و ایجاد فضایی سالم و ایمن برای شهروندان و گذراندن اوقات فراغت که با کمبود این گونه فضاها مواجه هستند از دیگر عوامل احیای این بناها می‌باشد. همچنین بازپس‌گیری و بازگرداندن شکوه به جایگاه گرما به‌ی ایرانی و شناساندن آن به جهانیان نیز از مهم‌ترین اهداف بازکاربری گرما به‌های ایرانی خواهد بود.

۳. سوالات تحقیق

۱. آیا احیای گرما به‌ی سالار مستلزم حمایت مردم محلی و بنگاه‌های گردشگری می‌باشد؟
۲. آیا بازکاربری گرما به‌ی سالار تأثیری بر افزایش ساعات بازدید گردشگران از ارگ سلطانیه خواهد داشت؟
۳. آیا بازکاربری گرما به‌ی سالار در حوزه گردشگری خلاق، باعث افزایش آشنایی گردشگران خارجی با گرما به‌های ایرانی خواهد شد؟

۴. فرضیه‌های تحقیق

۱. احیا و رونق دوباره گرما به‌ی سالار مستلزم تبلیغات و شناساندن آن به گردشگران می‌باشد.
۲. به نظر می‌رسد بازکاربری گرما به‌ی سالار متناسب با نیازهای روز مردم محلی و گردشگران باعث افزایش شناخت حس تعلق مردم و رشد اقتصادی منطقه می‌گردد.
۳. بازکاربری گرما به‌ی سالار در کنار سایر گرما به‌ها موجب شناساندن فرهنگ غنی و معماری گرما به‌های ایرانی در جهان خواهد شد.



۵. اهداف تحقیق

۱. ایجاد تعاملات اجتماعی در میان افراد محلی و بهبود ساختار اجتماعی از طریق معادلات فرهنگی شکل گرفته میان مردم محلی و گردشگران
۲. بهبود اقتصاد گردشگری از طریق فروش محصولات فرهنگی و بومی به گردشگران
۳. کمک به مطالعات در مورد تنوع محصولات ارائه شده به گردشگران میراث جهانی ارگ سلطانیه از طریق بازکاربری گرمابه‌ی سالار به جهت افزایش کیفیت بازدید گردشگران
۴. افزایش مدت زمان حضور گردشگران در شهر سلطانیه

۶. روش تحقیق

بدیهی است هر پژوهش نیازمند یک روش تحقیق متناسب با موضوع خود است. انتخاب روش تحقیق مناسب و تداوم آن در تمامی فرآیند و مسیر پژوهش از اصول راهبردی یک تحقیق علمی است. روش مواجهه با مسئله و پژوهش در ارتباط تنگاتنگ و دوسویه با ساختار و ماهیت تحقیق است. از همین رو برای ایجاد شالوده‌ای منسجم برای این تحقیق، روش تحقیقی توصیفی انتخاب و در طول پروسه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین برای به دست آوردن نتایج مطلوب در این مقاله و ارائه‌ی پاسخ مناسب به سؤال‌های فوق از تحقیق کتابخانه‌ای اعم از کتاب، رساله، مقالات، گزارش ثبتی گرمابه‌ی سالار سلطانیه و پایگاه‌های اینترنتی استفاده شده است و در نهایت سعی شده است با بازدید از امکانات موجود و ارائه‌ی پرسشنامه به گردشگران، به طریق میدانی مطالب به دست آمده را به روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل نموده و به جمع‌بندی نهایی رساند.

۷. نکات قابل توجه در احیاء و اعطای کاربری به بناهای تاریخی

تعیین کاربری متناسب جهت احیاء بنای تاریخی مستلزم در نظر گرفتن معیارهایی است که تا حدودی تضمین کننده حیات بی‌خطر این بنا و حفاظت آن در آینده خواهد بود. دسته‌ای از نکات قابل توجه در این حوزه عبارت‌اند از: ۱. نخستین گزینه‌ای که باید در اعطای کاربری در نظر گرفته شود، کاربری اولیه‌ی بنا است؛ همان که از آن به تثبیت کاربری یاد می‌گردد، ۲. کاربری



پیشنهاد شده باید مطابق با شأن بنای تاریخی انتخاب گردد. شأن يك بنای تاریخی، معیاری کیفی و واحد بسیار زیادی نسبی و بیشتر تابع عرف روز جامعه است، ۳. کاربری‌هایی که تاکنون به بناهای تاریخی اعطا شده و موفق بوده‌اند، در مخزن کاربری‌های قابل اعطا قرار می‌گیرند، ۴. کاربری قابل اعطا به بنای تاریخی نباید اهداف پروژه احیاء را نقض نماید؛ به عبارتی: بقای بنای تاریخی را تضمین نموده و سطح حفاظت از بنای تاریخی را بالاتر ببرد، ۵. کاربری قابل اعطا باید مشخصات يك کاربری متناسب را نیز دارا باشد. بر این اساس باید معیارهای زیر را در کاربری در نظر گرفت: الف: حفظ و ارتقاء ارزش‌های بنا، ب: بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مزایای بنا (عدم استفاده از مزیت‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی يك بنای تاریخی نیز باعث عدم تناسب کاربری می‌گردد)، ج: انطباق کاربری مورد نظر با قوانین و مقررات ناظر به موضوع (کاربری اعطا شده نباید منشورهای بین‌المللی حفاظت را نقض کرده و اصول حفاظت بناهای تاریخی باید همواره رعایت گردد)، ۶. رعایت اصول: بازگشت‌پذیری، حداقل مداخله، مرمت علمی، ۷. تغییراتی که به بنا تحمیل می‌گردد، باید در حدی باشد که تفکر معمارانه‌ی بنا دستخوش حداقل تغییر شود. همچنین کاربری قابل اعطا باید تا حد امکان تقویت‌کننده‌ی تعریف اولیه‌ی بنا باشد. بنابراین شناخت معیارهای کاربری متناسب، حوزه‌ای بسیار منعطف است و نمی‌توان با قطعیت با آن برخورد کرد، لذا لازم است با نگاهی دقیق و نکته‌سنج، جوانب مختلف آن را بررسی نمود [۲۶].

همچنین در بازکاربری و احیای یک گرمابه‌ی تاریخی علاوه بر توجه به موارد بالا رعایت نکات معماری پایدار جهت پایداری بنای بازکاربری شده نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. بنابراین با استفاده از نظریات "نوروزوند" برخی از اصولی که باید رعایت شوند تا یک ساختمان بازکاربری شده در زمره بناهای پایدار طبقه‌بندی گردد، ذکر می‌گردد: ۱. بنا باید طوری احیا گردد که نیاز ساختمان به سوخت‌های فسیلی را به حداقل برساند، ۲. بنا باید طوری احیا گردد که با اقلیم و منابع انرژی موجود در محل احداث هماهنگی داشته و کار کند، ۳. ساختمان‌های بخش الحاقی (در صورت نیاز) بایستی به‌گونه‌ای طراحی شوند که میزان استفاده از منابع جدید را تا حد ممکن کاهش داده و در پایان عمر مفید خود برای ساختن بنای جدید، خود به‌عنوان منبع جدید به کار روند، ۴. در معماری پایدار برآورده شدن نیازهای روحی و جسمی ساکنان از اهمیت خاصی برخوردار است، ۵. بنای جدید باید با ملایمت در زمین سایت خود قرار گرفته و با محیط اطراف سنخیت داشته باشد، ۶. تمام اصل معماری پایدار باید در یک پروسه کامل که منجر به ساخته شدن محیط‌زیست سالم می‌شود، تجسم یابد [۲۷]. مهم‌ترین نکته حائز اهمیت در احیا توجه به این



نکته است که، معماری بومی با آنکه در طول تاریخ دستخوش پدیده‌های دگرگون‌کننده بوده است ولی توانسته هویت ویژه خود را حفظ کند و نمایانگر آداب و رسوم، روحیات، احساسات، اندیشه، عقیده، ذوق، سلیقه و هنر آنان باشد [۲۸].

در کنار این موارد توجه به استانداردهای موجود در احیای بناهای تاریخی نیز قطعاً تأثیرگذار خواهند بود: ۱. اثر می‌بایست با شکل و کاربرد تاریخی اش بهره برداری گردد و یا اگر نیاز به کاربری جدید دارد، این کاربری جدید می‌باید نیاز به کمترین تغییر در ویژگی‌های بنا و محوطه‌ی اطراف آن داشته باشد، ۲. خصیصه‌ی تاریخی اثر می‌بایست حفظ گردد. از حذف مصالح و اجزاء تاریخی و الحاق فضاهایی که این ویژگی را تحت الشعاع قرار داده و خصیصه‌ای جدید ایجاد می‌کند، باید پرهیز گردد، ۳. هر اثر تاریخی را باید به مثابه سند زمان خویش به رسمیت شناخت، اعمال تغییراتی که باعث گمراهی در توسعه‌ی تاریخی اثر گردد مانند اضافه کردن عناصر معماری بناهای دیگر، نباید انجام گیرد، ۴. اگر آثار در طول زمان تغییر یافته‌اند، این تغییرات اکنون بخشی از تاریخ بنا شده‌اند و می‌باید حفظ و نگهداری شوند، ۵. خصوصیات ممتاز، پرداخت کاری‌ها و متون ساختمانی با نمونه‌های تزئیناتی باید حفظ شود، ۶. بخش‌های آسیب‌دیده‌ی تاریخی نباید حذف شوند، بلکه این‌ها می‌باید تحت درمان قرار گیرند و هرگاه این آسیب به حدی است که باید بخشی را جایگزین کرد این بخش جدید باید در طرح، رنگ، بافت، خصوصیات بصری دیگر و مصالح با نمونه‌ی اول هماهنگ باشد. عمل جایگزینی می‌باید به وسیله مستند سازی تصویری ثبت شود، ۷. درمان‌های فیزیکی و شیمیایی که تأثیر مستقیم بر مصالح ابنیه دارند (مانند شن پاشی) نباید انجام شوند. پاک‌سازی مصلحتی سازه‌ها باید با استفاده از کمترین روش‌ها انجام پذیرد، ۸. مصالح باستان‌شناسی ارزشمند که تحت تأثیر یک پروژه می‌باشند، می‌باید حفظ شوند و اگر ملاحظاتی لازم است انجام شود با محاسباتی که به کاهش این تأثیرات توجه کرده و آن را پیش‌بینی کرده است صورت گیرد، ۹. الحاقات جدید، ملاحظات خارجی و یا ساختمان‌های جدید احداث شده و مرتبط با بنا نمی‌بایست مواد و مصالح تاریخی اثر را تخریب نماید، کار جدید باید از نمونه‌ی قدیمی متفاوت بوده و در عین حال از نظر حجم، اندازه، مقیاس و ویژگی‌های معماری و به جهت حفظ انسجام تاریخی اثر و محیط آن با اثر هماهنگ باشد، ۱۰. الحاقات جدید با بناهای جدید احداثی باید به شکلی احداث شوند که اگر در آینده نیاز به حذف آن‌ها بود، پس از حذف شدن شکل ذاتی و انسجام اثر تاریخی و محیط آن را بر هم نزنند.



۸. ارزیابی گرمابه‌های تاریخی از لحاظ گردشگری

یکی از نکات مورد نظر "کامیلو سیت"^۱ درباره‌ی مجموعه‌های معماری متعلق به گذشته بدین شرح است: "ارزش هر بنا به محیط اطراف آن بستگی دارد: موضوع اصلی در این نظریه روابط فضایی موجود بین بنا و محیط آن می‌باشد، نه روابط کاربردی بناها و فضاهای تهی مجاورشان" [۲۹]. گرمابه‌های تاریخی به دلیل دارا بودن عملکرد معماری، تکنیک‌های منحصر به فرد ساخت و ساز و مصالح جزو میراث فرهنگی مادی و به دلیل وجود ویژگی‌های عملکردی، آیین‌ها و آداب و رسوم مختص خود در زمینه ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی و همچنین به دلیل ایجاد الگوهای رفتاری خاص در عملکرد بهره‌مندان خود، از دارایی‌های فرهنگی ناملموس یک منطقه در جذب گردشگر به حساب می‌آیند. اگرچه فرهنگ گرمابه که از نسلی به نسل دیگر منتقل و با گذر زمان غنی گردیده، امروزه از ویژگی‌ها و آیین‌های قدیمی خود دور شده است، اما هنوز کاملاً از زندگی ما خارج نگردیده و کاملاً جایگاه خود را از دست نداده است. در حالی که غالباً گرمابه‌ها از عناصر معماری کشورهای دارای قدمت تاریخی (ایران، یونان، ایتالیا، ترکیه و مناطق تحت حاکمیت آن‌ها) بوده و امکان مشاهده آن‌ها در بافت قدیمی شهرهای این کشورها ممکن است، اما امروزه ساخت و مراجعه به گرمابه‌های لوکس دارای عناصر نوین همانند، بخش ورزش، بخش ماساژ و... در هتل‌ها و مجتمع‌های آپارتمانی لوکس بسیار رایج می‌باشد. با این حال، این سازه‌ها به دور از شکل و ساختار اصلی خود بوده و به دور از برآورده کردن نیازها و ضرورت‌های سنتی خود می‌باشند. به همین دلیل حفاظت و احیای هویت گرمابه‌های تاریخی در بافت‌های سنتی به جهت محافظت از میراث فرهنگی جامعه و مردم محلی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اما نکته مهم در این جا این است که، به طور طبیعی حفظ کارکرد چنین عناصری و اطمینان از پایداری آن‌ها در حالی که گرمابه‌های خانگی با کارکرد آسان‌تر و قابل اطمینان‌تر برای استحمام وجود دارند، بسیار دشوار است. بنابراین احیای دوباره این بناهای تاریخی جهت استفاده گردشگران و بازدیدکنندگان آثار تاریخی محبوب‌تر می‌تواند یکی از گزینه‌های مناسب جهت استفاده دوباره از آن‌ها باشد. به طور مثال، "گرمابه‌ی قاضی" شهر اصفهان، یک گرمابه‌ی تاریخی ایرانی است که در سال‌های اخیر نه با کاربری موزه بلکه با کاربری گرمابه بازسازی شده و به عنوان اولین گرمابه‌ی سنتی ایرانی بازسازی شده با کاربرد اصلی با دو فضای مجزای مخصوص استفاده همزمان بانوان و آقایان و با تمامی عناصر معماری



گرمابه‌ی ایرانی مشغول به کار است. اما باید در نظر داشت که آیا احیای دوباره گرمابه‌ی سالار شهر سلطانیه همانند نمونه‌ی اصفهانی آن موفق خواهد بود یا به دلیل تفاوت در ارزشمندی معماری بنا و حجم گردشگران ورودی و همچنین مدت زمان ماندگاری آن‌ها در هر دو شهر، استقبالی از این گرمابه به جهت استحمام و تجربه فرهنگ گرمابه‌ی ایرانی در نزد گردشگران پدیدار نگشته و جذابیتی در میان بازدیدکنندگان نخواهد داشت. مطالعات پژوهش در این زمینه نشان می‌دهند که به علت تفاوت‌های ذکر شده در هر دو نمونه امکان استقبال از این بنا به عنوان یک گرمابه‌ی قابل استفاده بسیار پایین بوده و همچنین به دلیل قرارگیری این سازه در داخل میراث جهانی ارگ سلطانیه، امکان وجود چنین کاری را بسیار دشوار و دور از اعتبار می‌داند. البته به طور دقیق و قاطع نمی‌توان امکان انجام چنین کاری را رد نموده و آن را دور از ذهن دانست، ولی امکان سنجی چنین عملکردی در گرمابه‌ی سالار سلطانیه نیازمند تحقیقات گسترده و نیازسنجی جامع از گردشگران و مردم محلی می‌باشد تا نتیجه‌ی قطعی مشخص گردد. بنابراین احیا و بازکاربری گرمابه‌ی سالار نیازمند ایده‌های جدید و نوین و متناسب با رفع نیازهای گردشگری میراثی و گردشگری خلاق بوده تا علاوه بر خارج نمودن این بنای تاریخی از انزوای مطلق از پتانسل‌های آن جهت افزایش ساعات بازدید گردشگران در محوطه ارگ جهانی سلطانیه استفاده نمود.

۹. گرمابه سالار سلطانیه

تاریخچه: در اواخر دوره‌ی قاجار (۱۲۹۳ ه.ش) شخصی به نام سیف علی خان کلانتری به جهت تجمع سکونت اهالی در ارگ سلطانیه و ضرورت وجود مکانی جهت استحمام، اقدام به ساخت این گرمابه نموده و در مدت زمان یک سال بنای گرمابه جهت استفاده اهالی آماده گردید. طبق گفته اهالی گرمابه‌ی سالار در محل قرارگیری منزل مسکونی اجدادی خاندان ملکی و با خرید آن توسط سیف علی خان کلانتری (سالارخان)، احداث گردید. چندین سال بعد گرمابه‌های دیگر سلطانیه یعنی گرمابه‌ی قدیمی خدایار در کنار مسجد باب الحوائج (ع)، گرمابه‌ی تقی (ضلع شرقی ارگ) و دو گرمابه‌ی دیگر یکی در محدوده‌ی ساختمان آموزش و پرورش و دیگری در کنار منازل مسکونی تخریب گردید. از گرمابه‌های موجود فقط گرمابه‌ی سالار و گرمابه‌ی تقی تاریخی به حساب می‌آمده‌اند [۳۰]، در داخل ارگ، بناهای قدیمی‌تر از گرمابه‌ی سالار که مربوط به دوره‌ی قاجار است) نیز وجود داشته است، ولی به دلیل استفاده از خشت خام برای ساخت بناها و همچنین



روش ساخت به سبک ابتدایی، به مرور بر اثر عوامل طبیعی و انسانی تخریب شده و تنها گرمابه‌ی سالار به جهت استفاده از تکنیک‌های معماری پابرجا مانده است. البته در منابعی نیز ذکر شده است که، "بنای مورد نظر، یکی از گرمابه‌های متعدد شهر سلطانیه است، که اگر چه تاریخ دقیق ساخت آن مشخص نیست؛ اما بر اساس اسناد موجود، همزمان با دوره ساخت شهر یعنی بین ۷۰۶ تا ۷۱۰ ه. ق. ساخته شده است. باقر آیت الله زاده شیرازی، به صورت شفاهی متذکر شده که این گرمابه متعلق به دوره‌ی قاجار است؛ ولی این موضوع به صورت مکتوب در هیچ مأخذی ثبت نشده است؛ لذا امکان استناد علمی به آن وجود ندارد؛ اما فرهاد فخار تهرانی چنین نظری نداشته و بر ایلخانی بودن گرمابه، صحه گذاشته است" [۳۱]. در سال ۱۳۴۴ به جای خزینه به دستور اداره بهداشت از دوش استفاده شد و پس از سال ۱۳۵۸ این بنا تبدیل به مخروبه شده و پس از چندی با جمع آوری و فروش خاکسترهای اطراف جهت تأمین هزینه‌ی تعمیر توسط شورای محل، این بنا مجدداً آماده‌ی استفاده گردید. فعالیت گرمابه‌ی عمومی به صورت جداگانه مردانه و زنانه بود، به این ترتیب که آقایان از غروب تا ساعات اولیه صبح و بانوان از صبح تا غروب از این بنا استفاده می‌نمودند.

آغاز فعالیت مرمت بنا در سال ۱۳۷۲ توسط سازمان میراث فرهنگی قزوین آغاز و گرمابه‌ی عمومی در این سال از فرزندان و نوادگان سالارخان خریداری و به مالکیت دولت درآمد. گفتنی است، در سال ۱۳۷۲ در زمان مرمت بنا در پلان اصلی تغییراتی به وجود آمد و قسمت‌هایی به عنوان سرویس بهداشتی و آشپزخانه به قسمت شمالی آن اضافه گردیده (شکل ۱) و همچنین تغییراتی نیز در قسمت‌های دیگر مانند سرپینه و هشتی بنا به وجود آمد. گرمابه‌ی سالار در سال ۱۳۷۸ جزو بناهای مشمول "طرح پردیسان"^۱ انتخاب و عملکرد جدید آن به عنوان سفره‌خانه و چایخانه تعیین شده و در اردیبهشت ۱۳۸۱ با قابلیت پذیرایی از ۶۰ نفر با بخش‌های متنوعی از قبیل چایخانه سنتی، بخش‌های اداری و پذیرایی و آشپزخانه مجهز برای تهیه و پخت غذاهای خاص محلی و بومی آماده بهره‌برداری گردید. در نهایت به منظور بهره‌برداری و مرمت در سال ۱۳۹۴ به مدت ۵ سال با اجاره ماهیانه هفده و نیم میلیون ریال به کانون جهانگردی و اتومبیلرانی واگذار شده و مبلغ ۲۵۰ میلیون ریال نیز برای مرمت آن در نظر گرفته شده و در بهمن ماه سال ۱۳۹۵

۱. از سال ۱۳۷۸ در قالب قانون بودجه، تبصره‌ای به سازمان میراث فرهنگی کشور اختصاص یافته که براساس آن، به سازمان میراث فرهنگی تکلیف داده شد، کاروانسراها، خانه‌ها و دیگر بناهای تاریخی در کشور را، به تملک خود در آورده، با مرمت و احیا، پس از تجهیز، در اختیار امر گردشگری قرار دهد.



اداره فنی مهندسی صندوق احیا برآماده شدن این بنای تاریخی جهت بهره‌برداری اذعان داشته و دی ماه سال ۱۳۹۶ نیز در بازدید گروه فنی صندوق احیاء از گرمابه، بر لزوم تکمیل عملیات مرمت این گرمابه تاریخی و آغاز بهره‌برداری از آن در سال جدید تأکید شده است.

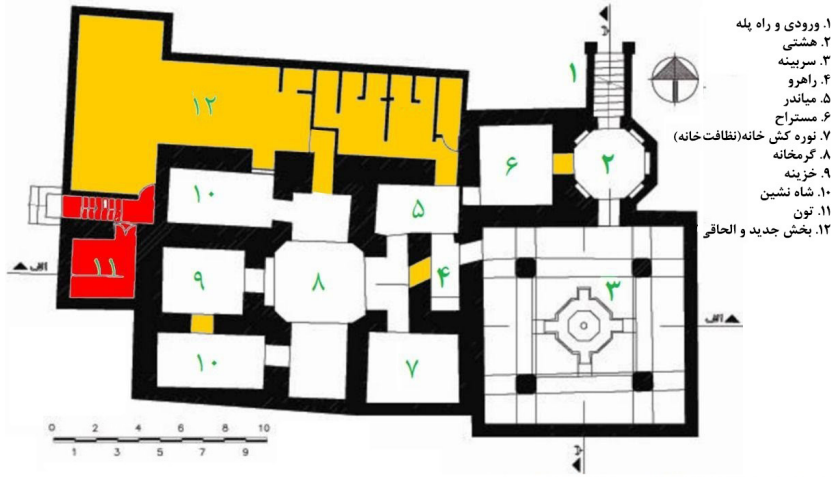
وجود چنین آشفتگی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مربوط به احیای گرمابه سالار، عدم سیاست‌گذاری مناسب و منطبق بر نیازهای روز جامعه و رفع احتیاجات مردم محلی و گردشگران و عدم خدمات‌رسانی مطلوب و کاربری مناسب و همین‌طور ناشناخته بودن آن می‌باشد، که با استقبال گردشگران مواجه نشده است. زیرا هدف از احیاء گرمابه سالار این است که گردشگر مراجعه‌کننده به سلطانیه با دریافت خدمات این مجموعه با رضایت بیشتری آن‌جا را ترک نماید، زیرا با توجه به محدوده بازدید گردشگران که غالباً محدود به گنبد سلطانیه می‌شود، فضای دیگری جهت ایجاد امکانات برای سرویس‌دهی مستقیم و قابل دسترس به گردشگران وجود ندارد. زیرا اکثر مراجعه‌کنندگان یک مسیر ساده از وسیله نقلیه تا ورودی گنبد را طی کرده و دوباره بدون برخورد با امکانات و سایر جاذبه‌های موجود در شهر به مقاصد گردشگری دیگر و یا شهر خود عازم می‌گردند. نحوه پاسخگویی گرمابه به شرایط اقلیمی و عملکرد داخلی: این گرمابه همانند اکثر گرمابه‌های ساخته شده در اقلیم سرد پایین تر از سطح زمین و سایر بناهای پیرامون خود ساخته شده است، این شگرد باعث سوار شدن آب بر مسیر تعبیه شده و تبادل حرارتی داخل گرمابه و فضای خارج را در زمستان و تابستان به حداقل می‌رساند است، زیرا خاک همچون عایق حرارتی عمل می‌نماید. همچنین قرار گرفتن بنا در دل زمین مقاومت آن را در برابر زلزله افزایش می‌دهد [۳۱]. بنای مذکور با جریزی سنگی و دیوارهای قطور (بدنه ضخیم گرمابه به مثابه خازن حرارتی در طول سال) و شامل تمام عناصر اصلی تشکیل‌دهنده گرمابه ایرانی همچون گرمخانه (Hot House)، میاندر (Mian-Dar)، سرپینه (Sarbinia)، تون (Furnace)، خزینه (Reservoir)، شاه‌نشین (Alcove) و... سلسله مراتب آن (شکل ۴ و جدول ۱)، ساخته شده است. با استفاده از تمهیدات معمارانه از خروج بخار و تبادل حرارتی در گرمابه سالار جلوگیری می‌گردیده است، این تدبیر وجود انحنای در مسیر حرکت میاندر و راهرویی، جهت ارتباط با گرمخانه و بینه بوده، که از گردش هوا جلوگیری می‌کرده است. این روش گرمای گرمابه را در گرمخانه حفظ و مانع از هدر رفتن حرارت و بخار شده و در نتیجه آب خزینه و هوا گرم می‌گردید و همچنین گرمای متعادل و مطلوب در سرپینه نیز فراهم می‌شد. در اصل میاندر فضای بین سرپینه و گرمخانه بوده که با پیچ و خم بسیار طراحی می‌شده و در تنظیم شرایط محیطی بین دو فضای مذکور به لحاظ دمایی و رطوبت نیز نقش اصلی را ایفا می‌کرده



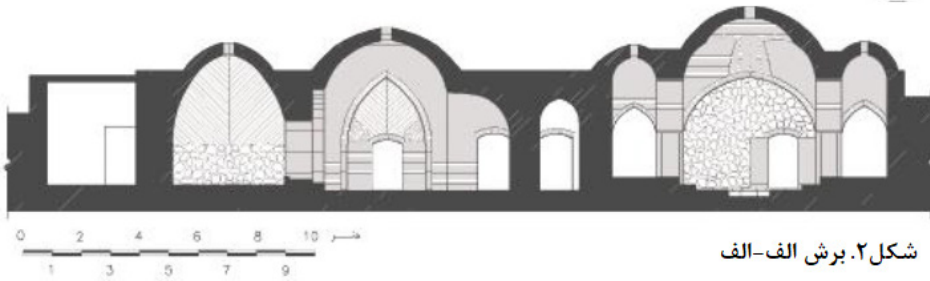
است [۳۲]. بخش‌های مختلف این بناها به‌گونه‌ای از یکدیگر تفکیک شده‌اند که دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم و از خطر بیماری فرد به دلیل ورود به فضاهای با دمای متفاوت پیش‌گیری شود. کاربرد دیگر میاندر ایجاد یک فضای میانی جهت ارتباط عناصر فرعی و نظافتی وجود در گرمابه مانند نوره‌کش‌خانه (Cleaning Room) و مستراح (Toilet)، با بخش‌های دیگر گرمابه و دور از چشم نگاه داشتن آن‌ها بوده است. در این گرمابه اتاقی جداگانه برای تعویض لباس وجود نداشته و سربینه هم محلی برای رختکن (Changing Room) و آماده‌شدن برای استحمام و خروج از گرمابه بوده است، همچنین در اطراف فضای میانی سربینه، سکوهایی برای استراحت یا نشستن مراجعان قرار داشته است [۳۱]. تهویه گرمابه نیز از طریق روزنه‌های موجود در مرکز گنبد و نورگیری پوشش‌های گرمابه امکان‌پذیر می‌گردیده است. فضای اصلی گرمابه معروف به گرمخانه برای شست و شو و تطهیر بدن بوده که به علت وجود خزینه در مجاورت آن دارای هوایی گرم و مرطوب بوده است. زائده‌های موجود در دیواره‌های شمالی و جنوبی گرمخانه جهت انجام کیسه‌کشی، لیف‌زنی و... تعبیه شده و در اتاقی جداگانه در جنوب گرمخانه معروف به نوره‌کش‌خانه فضایی جهت رگ‌زدن، حجامت، نوره‌کشی و... ساخته شده است.

سیستم گرمایش: سیستم گرمایش گرمابه سالار مشابه سایر گرمابه‌های سنتی است. سطح کف آتشدان گرمابه در حدود ۸۰ الی ۱۰۰ سانتی متر پایین‌تر از زیر کف خزینه و تیان (پاتیل) قرار داشته است. گرمای حاصله از سوخت به‌وسیله گربه‌روهای اصلی و فرعی در زیر فضای گرمابه پخش می‌گردد. از جمله تدابیر دیگر برای گرم نگه داشتن فضای داخل گرمابه در این اقلیم، می‌توان به کوتاه بودن ارتفاع گرم خانه، کوچک بودن مساحت گرمابه‌ها (جدول ۳)، کم بودن تعداد فضاها و وسعت آن‌ها و بیشتر بودن مساحت بینه و گرم خانه در مقایسه با اقلیم گرم اشاره نمود. مقدار عددی نسبت ارتفاع به طول گرمابه در این اقلیم از سایر اقلیم‌ها کمتر است. فضاهای ارتباطی و خدماتی نیز در این اقلیم با مساحت کمتر به کار رفته‌اند. در سازه گرمابه‌ها در این اقلیم به جهت جلوگیری از باقی ماندن برف بر روی گنبدها از چفد تند استفاده می‌شود [۳۳].

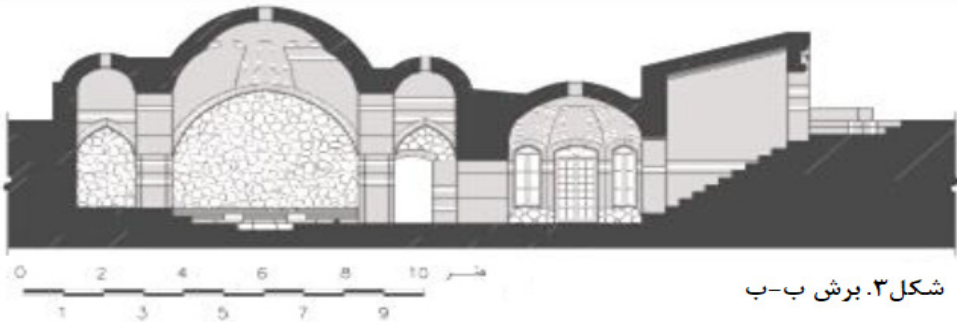
سیستم انتقال دود: محل عبور کانال‌های گربه‌رو (Crawl Space)، اصلی و فرعی و دودکش‌های گرمابه در زمان فعالیت برای گرم کردن گرمابه استفاده می‌شده است، به این ترتیب که ابتدا دودکش کانال اصلی باز و بقیه بسته شده و پس از گرفتن آتش، بسته به نیاز فضاهای مختلف دودکش مربوط به کانال باز شده تا هوای گرم بیشتری از زیر فضا جریان یابد.



شکل ۱. تهرانگ گرمابه سالار سلطانیه



شکل ۲. برش الف-الف



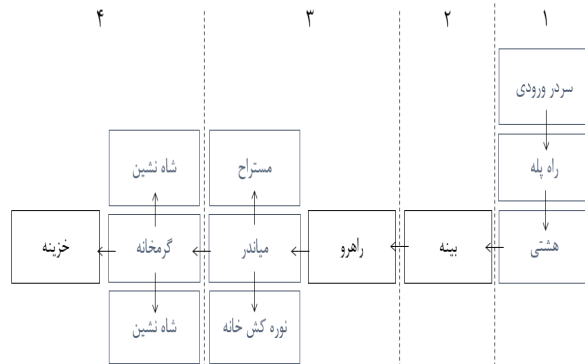
شکل ۳. برش ب-ب

سیستم آب‌رسانی: آب و سوخت دو ماده اساسی تداوم حیات گرمابه‌ها در گذشته بوده‌اند. در طول تاریخ، رسیدن به منبع آبی که گرمابه‌ها را سرپا نگاه دارد، کاری دشوارتر از ساخت بنای گرمابه بوده است. آب مورد مصرف و نیاز خزینه، گرمخانه و حوض سرپینه از طریق چاهی که در محدوده کناری تون خانه گرمابه تعبیه گردیده بود، تأمین می‌گردید. ابتدا آب از



چاه کشیده شده و درون حوضچه‌های مجاور ریخته شده و سپس با استفاده از دریچه‌های تعبیه شده در آن‌ها آب به وسیله تنبوشه‌های سفالی از طولی برابر ۴۰ سانتیمتر و قطر بزرگ ۱۰ سانتیمتر و قطر می‌گردید. این تنبوشه‌های سفالی از طولی برابر ۴۰ سانتیمتر و قطر بزرگ ۱۰ سانتیمتر و قطر کوچک حدود ۸ سانتیمتر برخوردار بوده‌اند که پس از فرورفتن در یکدیگر درزهای موجود بوسیله ملات پر شده و با جهت جریان آب در جای خود قرار داده می‌شدند.

فضاها		سطح قرارگیری در گرمابه
ورودی	سردر	۱
	راه پله	۱
	هشتی	۱
بینه	فضای اصلی	۲
	راهرو	۳
میاندر	فضای اصلی	۳
	مستراح	۳
	نوره‌کش خانه	۳
گرمخانه	فضای اصلی	۴
	شاه نشین‌ها	۴
	خزینه	۴



شکل ۴. سلسله مراتب قرارگیری فضاها در ساختمان گرمابه سالار

جدول ۱. سطح قرارگیری عناصر شکل‌دهنده در گرمابه سالار

عنوان	مساحت (مترمربع)	درصد	عنوان	مساحت (مترمربع)	درصد
مساحت مفید	۸۴/۸	۵۵/۸۵	فضای ایستا	۷۷/۳۸	۵۰/۹۶
مساحت غیر مفید	۶۷/۰۳	۴۴/۱۵	فضای پویا	۱۱/۴۲	۷/۵۲
جمع	۱۵۱/۸۳	۱۰۰	جمع	۱۵۱/۸۳	۵۸,۴۸

جدول ۲. مقایسه مساحت فضاهای مفید و غیرمفید و فضاهای ایستا و پویا گرمابه سالار قبل از الحاقات ۳۱



مساحت مفید: آن قسمت از مساحت زمین که به فضای معماری اختصاص یافته و دارای عملکرد است.

مساحت غیر مفید: آن بخش از مساحت زمین که به وسیله دیوارها، ستون‌ها، و سایر عناصر ساختمانی اشغال شده باشد.

فضاهای ایستا: فضاهایی که در آن فعالیت انجام می‌گیرد (سربینه، فضاهای خدماتی، گرمخانه، شاه‌نشین‌ها و خزینه).

فضاهای پویا: فضاهایی که در آن فعالیت خاصی انجام نشده و فقط محل گذر و تردد می‌باشند (راه‌پله، هشتی، راهروها و میاندر).

نام فضا	مساحت (مترمربع)	درصد
راه‌پله	۲/۱۳	۱/۴
هشتی	۳/۵	۲/۳۱
سربینه	۳۵/۳۴	۲۳/۲۸
میان‌درو راهرو	۵/۷۹	۳/۸۱
مجموع فضاهای خدماتی	۱۱/۱۹	۷/۳۷
گرمخانه	۱۵/۷۹	۱۰/۴
شاه‌نشین‌ها	۱۱/۵۶	۷/۶۱
خزینه	۳/۵	۲/۳۱

جدول ۳. مساحت فضاهای مفید گرمابه سالار قبل از الحاقات [۳۱]

۱۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تکمیل روند انجام این پژوهش، نظرات گردشگران ارگ سلطانیه جهت ارزیابی پتانسیل‌های فعلی گرمابه سالار و چگونگی افزایش این پتانسیل‌ها در حوزه گردشگری به صورت پرسشنامه‌ای جمع‌آوری گردیده است. ساختار تاریخی و میراثی موجود در مجموعه ارگ سلطانیه باعث افزایش پتانسیل‌های گردشگری شهر می‌شود. نکته قابل توجه این است که می‌توان علاوه بر محصولات و پتانسیل‌های موجود، با استفاده از محصولات



گردشگری جدید و خلاقانه، پتانسیل‌های محدوده ارگ سلطانیه را بیش از پیش تقویت نمود. داده‌های این پژوهش با استفاده از تکنیک مصاحبه چهره به چهره که یکی از روش‌های تحقیق کیفی می‌باشد، جمع‌آوری گردیده است. در تحقیق کیفی، مصاحبه، مشاهده و تجزیه و تحلیل اسناد، تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌های کیفی را می‌توان به عنوان پژوهشی تعریف کرد که طی آن فرایندی برای تحقق ادراکات و وقایع در یک محیط طبیعی به شیوه‌ای واقع‌گرایانه و کل‌نگر دنبال می‌شود. دلیل انتخاب این روش، کسب اطلاعات دقیق درباره موضوع مدنظر از افراد مصاحبه‌شونده است.

کدها	مؤلفه‌ها	فرکانس
کفایت انجام کار	بازکاربری مناسب جهت انجام فعالیت‌های مرتبط با گردشگری خلاق	۲۵
	اقدامات و فعالیت‌های تبلیغاتی مآثر جهت شناساندن بنا به گردشگران	۲۷
	مشارکت فعال مردم محلی جهت احیای دوباره بنا	۲۰
	افزایش نقش فعال ارگان‌های دولتی نظیر میراث فرهنگی	۱۲

جدول ۵. کفایت انجام کار

با توجه به جدول ۵ مشاهده می‌گردد که گردشگران و پاسخ‌دهندگان بیش از یک پاسخ به سؤال اصلی پژوهش تحت عنوان "آیا فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه پتانسیل‌های ارگ سلطانیه کافی است؟" داده‌اند. در میان این پاسخ‌ها اقدامات و فعالیت‌های تبلیغاتی موثر جهت شناساندن بنا به گردشگران "محبوب‌ترین پاسخ در میان گردشگران بوده است. همچنین آنان فکر می‌نمایند که، شهرداری و مردم شهر با مشارکت با یکدیگر جهت احیا و شناساندن این اثر تاریخی قدم بردارند. در سال‌های اخیر کارشناسان و متخصصان مرمت، تاثیر مداخله و مشارکت مردم را در موفقیت پروژه‌های مرمت و احیاء، طی مقالات و پژوهش‌هایی مطرح کرده‌اند. مطابق بررسی‌ها، مهم‌ترین مسئله‌ی احیای این بنا پایین بودن نقش مشارکت شهروندان در رویکرد مدیریت و راهبردهای اتخاذشده طی سال‌های اخیر درجهت مرمت، توانمندسازی و حیات‌بخشی به آن است. علاوه بر این، نیاز به تمرکز بر "بازکاربری مناسب جهت انجام فعالیت‌های مرتبط با گردشگری خلاق" توسط بسیاری از گردشگران بیان شده است. در نهایت پاسخ‌دهندگان بر لزوم "افزایش نقش فعال ارگان‌های دولتی نظیر میراث فرهنگی" جهت احیای پویای این اثر تاریخی اشاره کرده‌اند.



کدها	مؤلفه‌ها	فرکانس
اقدامات لازم جهت احیای گرمابه و ارائه آن به صنعت گردشگری	بازکاربری جدید متناسب با نیاز روز جامعه	۲۸
	درگیر کردن گرمابه با کاربری‌های اطراف خود	۱۹
	احیای بنا در جهت شناساندن هویت و فرهنگ مردم محلی	۱۶
	واگذاری به بخش خصوصی کارآمد و فعال	۹
	ترغیب و راهنمایی گردشگران توسط مسئولان تورهای گردشگری جهت بازدید از بنا	۱۲

جدول ۶. اقدامات لازم جهت احیای گرمابه و ارائه آن به صنعت گردشگری

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که، برای اطمینان از حفظ هویت گرمابه و استفاده پویا و پایدار آن در صنعت گردشگری، گردشگران بر ضرورت "بازکاربری جدید متناسب با نیاز روز جامعه" تأکید کرده‌اند. وجود تعداد بالای پاسخ‌دهندگان به این مؤلفه نمایانگر رغبت گردشگران به وجود فعالیت‌های فرهنگی و هنری در زیرمجموعه بزرگی تحت عنوان گردشگری خلاق در محوطه ارگ سلطانی می‌باشد. به عبارت دیگر ترکیب آن با انواع گردشگری خلاق در بازاریابی صنعت گردشگری مؤثر بوده و باعث افزایش بازدید از گرمابه می‌شود. این مهم در پاسخی مشابه تحت عنوان "درگیر کردن گرمابه با کاربری‌های اطراف خود" قابل اجرا می‌باشد که در ادامه بحث به آن پرداخته خواهد شد. همچنین اشاره گردشگران به مقوله "ترغیب و راهنمایی گردشگران توسط مسئولان تورهای گردشگری جهت بازدید از بنا" باید در پکیج تورها گنجانده شده و با آژانس‌های مسافرتی همکاری شود تا گرمابه سالار جهت استفاده گردشگران شناسانده شود. در این راستا تشویق نسل جوان برای اطمینان از تداوم گرمابه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. از نظر تحقیقات آینده، می‌توان از منظر رغبت آژانس‌های مسافرتی و راهنمایان تور جهت بازدید از این بنا تحقیقاتی انجام داد. از این طریق می‌توان با در نظر گرفتن نظرات ضلع سوم بازیگرانی که بخش گردشگری را تشکیل می‌دهند (مسئولان، مردم محلی و فعالان عرصه صنعت گردشگری)، در شناساندن فرهنگ گرمابه و توسعه گرمابه‌ها به عنوان یک محصول گردشگری و ایرانی اقداماتی صورت پذیرد.

۱۲. میراث معماری گرمابه سالار و ارتباط آن با صنعت گردشگری

"نباید فراموش کرد که تنها هدف از تغییر کاربری یک بنای قدیمی، ایجاد فضایی جهت



ارائه خدمات نیست، بلکه طرح موضوع بدین صورت خواهد بود که، هدف اصلی در این ارتباط، ضمن حفظ ارزشهای فرهنگی، هنری و تاریخی بنای قدیمی، ایجاد نوعی کاربری نوین برای آن هاست. [۳۴]. تفکر احیاء تفکری ارزشمند در حفاظت از داشته‌ها و دارایی‌های فرهنگی و تاریخی در عین بهره‌مندی از آن‌ها و حضور جدی آن‌ها در جریان دوباره زندگی است. از نظر "برنارد فیلدن" یکی از مهم‌ترین راهکارهای حفاظتی بناهای تاریخی، احیا و کاربری بخشیدن به این دست بناها است. به نظر او تفویض کارکردهای سازگار به بناهای تاریخی در بیشتر موارد یگانه شیوه‌ای است که صیانت از ارزش‌های تاریخی و زیبایی‌شناسانه اثر را به لحاظ اقتصادی ممکن می‌سازد و آن را با معیارهای پذیرفته شده زندگی امروز هماهنگ می‌کند. چراکه احیاء مکانهای تاریخی به ادامه حیات اثر در بطن زندگی امروز یاری می‌رساند و مهم‌تر از آن، میان دو امر به ظاهر ناسازگار صیانت و توسعه تعاون برقرار می‌سازد [۳۵]. مطالعه و تأمل در امکانات و فرصت‌هایی که این تفکر در اختیار می‌گذارد، آن را از حفاظت صرف ابنیه به عاملی در ایجاد حرکتی فرهنگی تبدیل می‌کند. فهم درست مفهوم احیاء و پرهیز از برداشت‌های سریع و سطحی از جمله گام‌های مهم در این راه است. عناصر تاریخی معماری که گردشگران به دلیل شکوهمندی و اصالتشان از آن‌ها دیدن می‌کنند، به‌عنوان جاذبه‌های فرهنگی و پشتوانه تاریخی یک منطقه و مقصد گردشگری ظاهر می‌شوند. هدف حفاظت و مرمت بافت و ابنیه تاریخی صرفاً نجات آنان از تخریب و فراموشی نیست بلکه ادغام میراث معماری و تجربه حس نوستالژیک در زندگی امروز است. برای این منظور، در حالی که از ارزش‌های میراث معماری که در اهداف گردشگری قرار دارند در عین حفاظت استفاده می‌شود، از سوی دیگر، به اقتصاد مردم محلی کمک‌های شایانی می‌کنند. در نتیجه بازیابی و احیای میراث معماری جهت خدمت به گردشگری میراثی و فرهنگی مزایای بسیاری همچون شناخت و حفظ هویت فرهنگی مردم محلی، بهبود چهره منطقه، توسعه مقصد گردشگری و احیای اقتصاد محلی صورت خواهد گرفت [۳۶]. در میان ابنیه تاریخی به‌جا مانده و به ارث رسیده یک منطقه، گرمابه‌ها می‌توانند از نظر انعکاس سبک معماری گذشته و درک فرهنگ زندگی روزمره مردم آن زمان، اطلاعات واضح‌تری به گردشگران داده و حس تجربه زندگی قدیم را به آن‌ها چشاند و



باورهای ذهنیشان را تحت تأثیر قرار دهند.

گرمابه‌هایی که جهت اهداف گردشگری مورد استفاده قرار می‌گیرند باید بدون از بین بردن بافت معماری و اصالت آن، مرمت شده و سپس استفاده و زنده نگه داشته شود تا بدون کمترین دخالت مخربی به نسل‌های بعدی منتقل شوند. برای این منظور، از گرمابه‌هایی که نشان دهنده‌ی معماری محلی بوده و از نظر پایداری توسعه‌ی گردشگری میراثی و فرهنگی، قابلیت کار شدن دارند، استفاده شود. دلیل انتخاب گرمابه سالار نیز همین دلیل است که، از نظر میراث معماری منطقه داری اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. اگر سیاست‌گذاری‌های صحیح اتخاذ گردیده و مشارکت فعال مردم محلی به خوبی مدیریت شده و مطابق با اصل خود ترمیم گردد، می‌توان از این بنای ارزشمند جهت کاربری‌های خلاقانه و مفید نظیر "رامشگاه"، "خانه هنری، موزه و گالری، کارگاه و واحد فروش صنایع دستی، شربتخانه و نوشینه‌سرا با ارائه توابع مورد نیاز، استفاده نمود. البته نباید فراموش کرد که خود گرمابه سالار عنصری تاریخی بوده که ارزش بازدید را دارد زیرا اطلاعاتی نظیر ویژگی‌های فرهنگی عصر خود، نحوه ساخت و ساز، نحوه مقابله با هوای بسیار سرد منطقه، سیستم آبرسانی را نشان به اشخاص نمایان خواهد کرد و حتی می‌توان ساختار گرمابه را با عملکردهای اصلی و جدید آن پس از ترمیم قابل مشاهده نموده و همچنین می‌توان یک کارکرد خلاقانه با مفهوم "موزه گرمابه" ارائه نمود که در آن می‌توان اطلاعاتی در مورد فرهنگ گرمابه ایرانی و آداب و رسوم استحمام منطقه به دست آورد.

البته با توجه به عدم وجود یک مرکز فرهنگی و نمایشی مناسب و عدم پاسخگویی کانون کودک و نوجوان و کتابخانه شهر به این چنین مباحث فرهنگی و نمایشی، تبدیل گرمابه سالار به یک مرکز همایش فرهنگی و تالار اجرای جشنواره مناسب خواهد بود. البته باید مدنظر قرار داد که مراکز فرهنگی در طول سال فعالیت چندانی نداشته و اکثراً در زمینه فعالیت‌های خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند و در موارد باقی مانده از نظر عملکردی منفعل باقی می‌مانند. بنابراین می‌توان با ایجاد یک مرکز فرهنگی پویا با ادغام کاربری‌های فرهنگی، نظیر کتابخانه، خانه هنر، کارگاه‌های تولید و طراحی آثار هنری به یک مجموعه فعال و بانشاط دست یافت. البته همانطور که قبلاً ذکر شد به جهت دوری این بنا با محیط



زندگی مردم محلی و قرارگیری آن در موقعیتی خاص چالش‌های بزرگی را در مورد احیای این بنا به وجود خواهد آورد. جهت ارتباط مداوم و بیش از پیش مردم محلی با این بنای تاریخی صرف تکیه بر نقش یکتای آن فایده‌ای نخواهد داشت، زیرا میزان و تعداد مراجعه شهروندان به یک بنا متناسب با نیازهای روزمره آنان شکل می‌گیرد. در این راستا می‌توان با به‌کارگیری دوباره مسجد علامه حلی (ره) به عنوان مرکز فرهنگی و مذهبی در شهر و هدایت بخش مهمی از کارکردهای اجتماعی به این بنا هم موجب شکوفایی و رونق این مسجد تاریخی شده و هم با ایجاد خط ارتباطی بین مسجد علامه حلی (ره) و گرما به سالار با استفاده از درب شمالی و اصلی ارگ و مراجعه روزانه شهروندان به این محدوده، این دو بنای تاریخی و ارزشمند را از انزوا درآورده و جانی دوباره به کالبد آن‌ها بخشید. ورود گردشگران از درب شمالی هم تداعی کننده حالت اصلی ورود مردمان به دربار شاهی بوده و همچنین موجب می‌گردد، گرما به سالار و مسجد علامه حلی (ره)، در مسیر بازدیدکنندگان قرار گرفته و تورهای گردشگری نیز بازدید از این عناصر را در دستور کار خود قرار بدهند، که این مهم، خود موجب افزایش ساعات بازدید گردشگران خواهد گردید. همچنین پیشنهاد می‌گردد جهت توسعه اقتصادی شهر و رونق صنایع دستی منطقه، بازارچه فروش صنایع دستی مابین کاربری‌های مذکور با استفاده از سازه‌های موقت به جهت عدم مداخله در محوطه ارگ جهانی سلطانیه با الگوبرداری از چادرهای عصر شکوه سلطانیه (که کاربرد نظامی و مدرسه‌های متحرک داشته‌اند)، احداث گردد (شکل ۵). این حرکت هم محوطه مذکور را پویاتر نموده و هم نمایانگر عناصر شهری سنتی (مسجد، گرما به، بازار) و ارتباط میان آن‌ها می‌گردد. در این صورت هنگامی که مسجد تاریخی به کانون فعالیت‌های مردم محلی تبدیل گشته و با گرما به سالار در تعامل و ارتباط باشند، می‌توان کاربری‌های جدیدی نظیر کتابخانه و سالن مطالعه مسجد را به این بنای ارزشمند منتقل نموده و یا آن‌را به مکانی جهت ساخت صنایع دستی با استفاده از معیارهای گردشگری خلاق تبدیل نمود. با تغییر کاربری به مرکز تولید صنایع دستی گردشگران نیز می‌توانند در روند تولید صنایع شرکت نموده و تجربه ساخت آن‌ها را کسب نمایند. این روند هم باعث شکوفایی اقتصادی مردم محلی بوده و هم صنایع دستی استان را به جهانیان و هموطنان معرفی نموده و هم تبدیل به یک محصول گردشگری مناسب در خدمت گردشگری خلاق خواهد بود. این چنین ارزشمندی و محبوبیت بناهای تاریخی و هویت محلی نیز در میان ساکنین،

با بقای معماری محلی و فرهنگ محلی روافزون خواهد گردید.. در اصل تبدیل کاربری این بنا فارغ از موضوعیت و کارکردهای فرهنگی و اقتصادی که در آن صورت خواهد گرفت، باید بتواند، زندگی کسل و یکنواخت روزمره انسان را به چالش کشیده و در کنار آن فعالیت‌های توریستی را افزایش دهد.



شکل ۵. جانمایی گرمابه و مسجد و محل پیشنهادی ساخت بازارچه موقت در محوطه ارگ سلطانیه

۱۳. نتیجه‌گیری

گرمابه‌های تاریخی، که به عنوان یکی از بهترین نمونه‌های میراث فرهنگی ملموس و نامحسوس تاریخ معماری ما به حساب می‌آیند، باید به بهترین نحو جهت برآورده کردن اهداف حفاظتی، بهره برداری اقتصادی و احیای پایدار، بازکاربری گردیده و مورد استفاده قرار بگیرند. در این راستا، اقداماتی جهت حفظ ساختار اصلی گرمابه‌های موجود، تبلیغات



گسترده و مفید جهت شناسایی جاذبه تاریخی و همچنین رفع نیازهای روزمره مردم محلی از مهم‌ترین نکاتی است که باید مورد توجه قرار گیرند. در این چهارچوب لازم است گرما به تاریخی سالار نیز در جهت تبدیل به یک منبع اقتصادی گردشگری با حفاظت پایدار تغییر کاربری داده و مورد استفاده مجدد قرار گیرد. البته باید توجه داشت استفاده تجاری صرف برای اهداف گردشگری (که تنها به جهت برآورده کردن انتظارات گردشگران در نظر گرفته شده است)، از لحاظ شناخت، احساس و حفظ پیشینه فرهنگی و هویتی جامعه میزبان گزینه‌ای مناسب نخواهد بود (کالایی سازی). از طرف دیگر احیای گرما به‌های موجود در نقاط گردشگری پذیر می‌تواند معرف فرهنگ سنتی ایرانی در نزد گردشگران خارجی بوده و آنان را با معماری و اجزای گرما به ایرانی و همچنین فرهنگ مختص آن آشنا گرداند. این روند موجب بازپس‌گیری جایگاه گرما به ایرانی در جهان خواهد بود. در حالی که امروزه گرما به‌های عمومی ساخته در کشورهای غربی علیرغم قدمت بسیار بیشتر آن در ایران و غنای فرهنگی و معماری، سلسله مراتب فضایی، فلسفه وجودی اجزا و عناصر و فرهنگ منحصر به فرد گرما به ایرانی، به "گرما به ترک" شهرت یافته‌اند. دلیل این امر این است که کشور ترکیه گرما به‌های سنتی خود را که تقلیدی از گرما به‌های یونانی و رومی می‌باشند، با مرمت و بازسازی به عنوان محصولی در صنعت گردشگری استفاده کرده و سایر کشورها نظیر ارمنستان، مجارستان و گرجستان نیز از این نوع گرما به‌ها تقلید و اقدام به ساخت نمونه‌هایی در کشورهای خود نموده‌اند. همچنین در سال‌های گذشته این کشورها عناصر معماری منحصر به گرما به‌های ایرانی را نیز در سازه‌های خود احداث کرده و سعی دارند این سلسله مراتب استحمام و جانمایی عناصر گرما به ایرانی، فرهنگ و معماری خاص کشورمان را به نام خود ثبت نمایند. بنابراین، این عملکرد در دنباله خود تبلیغاتی قوی و یکپارچه جهت احیای فرهنگ گرما به ایرانی ایجاد کرده و از این طریق گامی مهم جهت حفظ این سنت و شناساندن آن به جهانیان برداشته خواهد شد. علاوه بر این، می‌توان با استفاده از احتیاجات و شرایط امروزی و همچنین جهت حفظ هویت و احیای گرما به‌های ایرانی، گرما به‌های جدید با طراحی معماری سنتی و عناصر جدید، در بافت‌های تاریخی گردشگری پذیر طراحی نمود. البته انتظار نخواهد بود که مراسمات و آئین‌های سنتی مختص گرما به‌ها امروز نیز اجرا گردند ولی این اقدامات جهت حفظ میراث فرهنگی ملموس و ناملموس اقدامی مؤثر خواهد بود. به همین دلیل انتخاب درست نوع خدمات ارائه شده متناسب با نیاز گردشگران



و مردم محلی، ایجاد حس تفاوت و نوآوری در مخاطبین، ارائه آگاهی‌های لازم و کافی درباره آن‌ها، تبدیل خدمات به منابعی سودآور و اشتغال‌زا و همچنین حفظ پایدار مکان‌های تاریخی بسیار حائز اهمیت می‌باشند.

در مورد گرمابه سالار نیز، باید نسبت به میراث ملموس و ناملموسی که در این شهرستان واقع شده‌اند شناخت پیدا کرده و قابلیت جذب گردشگران و فروش محصولات به آن‌ها را به عنوان کالای جذاب با توجه به در نظر گرفتن انواع مختلف گردشگری و شاخه‌بندی این موارد و با توجه به انواع گردشگرانی که به این شهرستان مراجعه می‌کنند را در دستور کار قرار داده و سپس با برنامه‌ریزی و عزم مردم محلی و کار روی منابع مشخص شده این صنعت فعال شود. افزایش و میزان ماندگاری گردشگران داخلی و خارجی بازدید کننده از گنبد سلطانی به اتخاذ تمهیدات و تدابیر بیشتری نیاز دارد. بنابراین باید در کنار استفاده از سایر جاذبه‌های میراث فرهنگی جهانی سلطانیه از ساختار گرمابه سالار در کارکردهایی که می‌تواند در خدمت گردشگری پایدار بوده و برنامه‌های فرهنگی و خدماتی بر اساس سبک زندگی محلی ارائه نماید، استفاده شود. مطالعات گوناگون در نواحی کهن و قدیمی شهرها در ایران نشان می‌دهد که نحوه برخورد با این نواحی عمده‌اً مبتنی بر حفظ و مرمت تک بناهای با ارزش بوده و کمتر به برنامه‌ریزی مشخص برای باززنده سازی و بازگرداندن زندگی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی این نواحی اندیشه شده است [۳۷].

بنابراین در مرحله اول، برای افزایش آگاهی عمومی و جلب توجه به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی آن، ارزشمندی این بنا به گردشگران و مردم محلی به طور کامل و کاربردی تعریف گردد. آشنایی و مشاهده گردشگران از این اثر تاریخی با تغییر ورودی اصلی ارگ و تأکید بر ورود از طریق خیابان شاهی موجود در دروازه شمالی جهت رسیدن به گنبد سلطانیه مقدور خواهد بود. استفاده و مراجعه شهروندان به این بنا نیز با ارتباط‌دهی آن با مسجد علامه حلّی (ره) که آن اثر نیز باید با تغییر سیاست‌گذاری‌های موجود از یک بنای صرفاً میراثی خارج شده و به کانون تعاملات مردمی و تشکیلات شهری تبدیل گردد، ممکن خواهد بود، زیرا با ایجاد ارتباط میان این دو اثر تاریخی می‌توان بخشی از خدمات فرهنگی مسجد را در کنار خدمات ارائه شده به گردشگران بر عهده گرمابه سالار گذاشته و امکان دسترسی گردشگران و مردم محلی به آن را تسهیل نمود. همچنین با ایجاد یک بازارچه صنایع دستی این گرمابه را به یک محصول گردشگری در خدمت گردشگری خلاق تبدیل



نمود تا گردشگران به طور فعال در روند تولید صنایع دستی حتی به صورت چند ساعته نیز مشارکت کرده و محصولات تولیدی خود را به عنوان تبلیغی پایدار از این اقدام با خود به همراه ببرند. در قدم بعدی، این گرما به تاریخی در محدوده خدمت به گردشگری ارزیابی شده و وجود آن در چرخه اقتصادی-اجتماعی زندگی روزمره مردم محلی به روشی پایدار گنجانده شود. در این فرآیند به لطف گردشگری میراث فرهنگی و اقدامات صورت گرفته در حوزه گردشگری خلاق، شاهد حفاظت هدفمند از دارایی‌های فرهنگی منطقه بوده و امکان تداوم و گسترش فعالیت‌های گردشگری در تمامی طول سال امکان پذیر خواهد بود. همچنین در راستای حمایت از اصالت فرهنگ منطقه و استفاده از میراث فرهنگی آن، باید تداوم گردشگری میراثی در نمونه گرما به سالار به علت پشتوانه ساختاری آن جهت ایجاد تعامل و ارتباط با دیگران بیشتر از بقیه مورد توجه قرار بگیرد. این نوع نگرش در نوبه خود کمک شایانی جهت جذب گردشگر به جاذبه‌های گردشگری منطقه خواهد کرد. زیرا شرط جذب گردشگر برای این جاذبه فرهنگی، این است که مراکز و زیرساخت‌های مناسبی در کنار آن‌ها ایجاد شود؛ این پژوهش، از نظر حفاظت از میراث معماری، استفاده از موجودیت ساختمان جهت خدمت به اصول گردشگری پایدار، احیای معماری و فرهنگ گرما به و ایجاد کارکردهای متفاوتی برای رفع نیازهای گردشگری نوین، یک نمونه و همچنین الگو برای سایر گرما به‌های در حال تخریب و فراموش شده منطقه می‌باشد، که با تغییر کاربری صحیح و اصولی می‌توانند نقشی فعال در رفع نیازهای جامعه ایفا نمایند. زیرا به واسطه بازگشایی پویای گرما به سالار، سرمایه‌گذاران دیگر با مشاهده‌ی تجربه مطلوب آن می‌توانند برای احیاء بناهای مشابه، در منطقه تشویق شوند که قطعا با تکرار این نوع اقدامات، حوزه گردشگری می‌تواند به یکی از پشتوانه‌های اقتصادی مردم محلی تبدیل گردد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد نسبت به پتانسیل‌های گرما به‌ها و سایر بناهای تاریخی موجود در منطقه در جهت به‌کارگیری در خدمت گردشگری میراثی و گردشگری خلاق پژوهش‌هایی از طرف علاقه‌مندان صورت بگیرد.



منابع

1. Mursalov M. Bir turistik urun çeşitlendirmesi olarak kış turizmi ve kış turizmi acısından Azerbaycan'ın Guba-Hacmaz turizm bölgesinin arz potansiyeli. Dokuz Eylül Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, İzmir, 2009.
2. Moradnejadi H, Nazari S. Tourism and rural development in Iran. Jihad, 256: 61 – 67, 2003.
3. Mehrhoff WA. The new frontier: A case study of cultural tourism, Canadian Review of American Studies, 22 (2): 251 – 262, 1991.
4. Silberberg T. Cultural Tourism and Business Opportunities for Museums and Heritage Sites, Tourism Management, 16 (5): 361 – 365, 1995.
5. Walle HA. Cultural Tourism: A Strategic Focus. Westview, Boulder, 1998.
6. Xavier G. Is Heritage an Asset or a Liability? Journal of Cultural Heritage, 5: 301 – 309, 2004.
7. Richards G. Cultural Attractions and European Tourism. Wallingford Oxon, UK: CAB International Publishing, 2001.
8. Hughes H. Culture and Tourism: A Framework for Further Analysis, Managing Leisure, 7 (3): 164 – 175, 2002.
9. Xavier G. Is Heritage an Asset or a Liability? Journal of Cultural Heritage, 5: 301 – 309, 2004.
10. Prentice RC. Tourism and Heritage Attractions. Londra: Routledge, 1993.
11. Swarbrooke J. Sustainable Tourism Management, Wallingford: CABI Publishing, 1999.
12. Richards G. Cultural Attractions and European Tourism. Wallingford Oxon, UK: CAB International Publishing, 2001.
13. McKercher B, du Cros H. Cultural Tourism The Partnership Between Tourism and Cultural Heritage Management. New York: The Haworth Hospitality Press, 2002.
14. Howard P, Pinder D. Cultural Heritage and Sustainability In The Coastal Zone: Experiences In South West England, Journal of Cultural Heritage, 4: 57 – 68, 2003.
۱۵. فلامکی، م. باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی (چاپ سوم). انتشارات دانشگاه تهران،



تهران، ۱۳۷۵.

۱۶. کیانی، م. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۸.
۱۷. پاپادوپولو، آ. معماری مدنی در اسلام. ترجمه اقبالی، فصلنامه هنر، ۲۸، ۱۳۷۴.
۱۸. دهخدا، ع. لغت نامه دهخدا. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷. [۱۷]
۱۹. معماریان، غ. معماری ایرانی. انتشارات سروش دانش، تهران، ۱۳۹۲. [۱۸]
۲۰. گاسپار، د. سفر در ایران. ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، انتشارات شبابویز، تهران، ۱۳۶۵.
۲۱. باصولی، م. نگاه منظرین به حمام‌های عمومی، بررسی عناصر و کارکردهای آن. مجله علمی منظر، ۱۰(۴۵)، ۱۳۹۷. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۹ به سایت https://www.civilica.com/Paper-JR_MANZAR-JR_MANZAR.html.
۲۲. مهجور، ف. حمام در شهرهای ایرانی اسلامی. کتاب ماه هنر، (۵۷ و ۵۸) : ۶۰-۶۶، ۱۳۸۰.
۲۳. صمدی رندی، ی. احیاء و بهره برداری از بناها و اماکن تاریخی- فرهنگی در چشم انداز آینده. نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت ها و ظرفیت های احیاء و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و - گردشگری، تهران، ۳۶۴-۳۵۵، ۱۳۸۹.
۲۴. بصیری پور، م.، کریمانی، ف.، مدیرخانی، م. بررسی توجیه پذیری احیای بناهای تاریخی با رویکرد اقتصادی (نمونه‌ی موردی: خانه ناظران مشهد). اولین همایش بین‌المللی علمی- راهبردی توسعه گردشگری جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه گردشگری جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۱۴۳-۱۱۲۶، ۱۳۹۳.
25. Hacıoğlu N. Turizm pazarlaması. İzmir: Vipaş Yayınları, 2000.
26. Adan O, Bir turistik ürün Çesidi olarak termal turizm ve Ege Bölgesi açısından değerlendirilmesi. Dokuz Eylül Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, İzmir, 2009.
۲۷. فخارتهرانی، ف.، اصغریان جدی ا.، قدیری، ب. احیاء (اعطای عملکرد جدید به بناهای قدیمی). نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی صفا، دانشکده معماری و شهرسازی شهید بهشتی، سال سوم، شماره ۱۲-۱۱، ۱۳۷۲. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ به سایت <http://sofeh.sbu.ac.ir/article/view/15>
۲۸. پندیدن، ع.، کاشف حقیقی م.، تقی زاده اصل، ا. بررسی و شناخت معیارهای موفقیت پروژه‌های اعطای کاربری به بناهای تاریخی. نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت



- ها و ظرفیت های احیاء و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ۱۷۳-۱۶۱، ۱۳۸۹.
۲۹. نوروزوند، م.، عبدالهی ملایی، ش.، جعفریان ثمرین، ح.، علایی، س. ضرورت توجه به معماری پایدار در معماری و شهرسازی اسلامی نمونه موردی حمام های دوره قاجاریه اردبیل. همایش ملی مهندسی عمران، معماری و مدیریت پایدار شهری، گرگان، سازمان ملی استاندارد استان گلستان، ۱۳۹۳. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ به سایت - CIVIL01 - Paper <https://www.civilica.com> CIVIL01_209.html
۳۰. قدیری، ب. ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگ، ۱۳۸۵.
۳۱. زارع. ل.، فرخی، ا.، باقری، م.، بیگدلی، ح.، بررسی تاریخ شفاهی شهر سلطانیه "بررسی آثار معماری شهر تاریخی سلطانیه براساس متون تاریخی و تاریخ شفاهی". مجله معماری شناسی، شماره ۵، ۱۳۹۷. مراجعه در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ به سایت <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=463472>
۲۳. طبسی، م.، پورجعفر، م. تأثیر معماری گرمابه های ایران بر گرمابه های اسلامی فلسطین. دو فصلنامه مدرس هنر، دوره ۲، شماره ۱، ۷۴-۶۵، ۱۳۸۶. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۵ به سایت <http://noo.rs/gEcCd>
۳۳. عدل، س.، عارفی، پ. بررسی سازه حمام های سنتی (با نگاه ویژه به حمام ابراهیم خان). همایش ملی معماری و شهرسازی ایران، یزد، ۱۳۹۴. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ به سایت <https://b2n.ir/212365>
۳۴. حائری، ر.، طبسی، م. بازشناسی تأثیر اقلیم بر ساختار پوشش حمام های صفوی، فصلنامه علمی، پژوهشی فقه و تاریخ تمدن، ۱۲(۴۸): ۸۶-۶۵، ۱۳۹۵.
۳۵. مجیدی، د.، زینعلی، ف. بررسی نقش گردشگری در نوسازی معماری بومی ایران (مطالعه موردی حمام های تاریخی ایرانی)، اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پایدار، همدان، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، ۱۳۹۲. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ به سایت <https://www.civilica.com/Paper-TGES-01> html. ۳۵۱_TGES
۶۳. رحیم زاده، م.، نجفی، م. جایگاه درک ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن، مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت ها و امکانات و ظرفیت های احیا، انتشارات



سميرا، تهران، ۱۳۸۹.

37. Kousis M. Tourism and the Environment: a Social Movements Perspective, *Annals of Tourism Research*, 27 (2): 486–489, 2000.

۳۸. بوچانی، م. نوسازی بافت کهن قزوین، آزمون‌های مدیریت شهری. مجله شهرداری‌ها، ۶(۷۰): ۵۹–۶۴، ۱۳۸۳.